

سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی
در جمع نخبگان مشهد مقدس*

تدبیرهای ایران

توان آینده‌نگری را از آمریکاییها گرفت

خوشحالم که در جمع نخبگان این شهر مقدس، سخن می‌گویم. با توجه به موضوع بحث که به مناسبت این روزها به تجربه‌های انقلاب اسلامی ایران مربوط است، مایلم با این گزاره سخن خود را آغاز کنم که به حسب واقعیت‌های غیرقابل انکار، اصل نهضت اسلامی و جایگاه عظیم آن، خارج از پیش‌بینی قدرتهای بزرگ بوده است. پیروزی انقلاب از همان آغاز، غیرقابل تصور بود، همچنانکه تشکیل نظام اسلامی، بقا و استقرار آن - به رغم انواع توطئه‌ها - برای جهانیان حیرت‌آور بود و همچنان که امروز نیز هست. تحقق شعار «استقلال»، «آزادی» و «جمهوری اسلامی» - که اصلی‌ترین پیام انقلاب اسلامی است - «استقلال» به مفهوم نفی سلطه بیگانه و ضد استعماری، «آزادی» به معنای نفی استبداد و تحقق حاکمیت ملی و «جمهوری اسلامی» به مفهوم استقرار نظام مردم‌سالاری دینی است، برای بسیاری از ناظران بین‌المللی باورناکردنی بود.

* به تاریخ ۸۳/۱۷/۲۱، در تالار دانشگاه فردوسی.

اساساً نهضت‌های پس از انقلاب مشروطه، جملگی ضداستعماری و ضداستبدادی بوده‌اند. در واقع انگیختاری که می‌توانست ملت را به صحنه آورد، عامل ضداستعماری بود که به همراه عامل ضداستبدادی در نهضت ایفاء نقش می‌نمود. گفتمان مشروطه، بحث «عدالت‌خانه» و ایجاد مجلس شورای ملی بود و اینکه اساس حکومت، مردم‌اند و بنابراین باید به «حکومت فرد»، خاتمه داده شود و قلم بطلان بر سلطه بیگانه کشیده شود و لذا شما می‌بینید که در مجلس شورای ملی (در دوره‌ی اول و دوم) بحثها و مصوبات عمدتاً یا ضداستبدادی است (برای حکومت قانون) و یا ضداستعماری است (علیه روس و انگلیس که آن زمان در ایران بیشتر به دنبال سلطه‌گری بودند). البته در آن مقطع هنوز آمریکا، حضور چندانی در منطقه نداشت. آمریکاییها بیشتر بعد از جنگ جهانی دوم بود که در این منطقه تسلط خود را شروع کردند. منشور آتلانتیک که اروپا و آمریکا برای مبارزه با نازیسم امضاء کردند، یک بند مهم داشت و آن حضور آمریکاییها در منطقه بود، قرار شد انگلیسیها منطقه نفت خیز خلیج فارس را تحویل آمریکاییها بدهند و به تدریج از منطقه خارج شوند.

نهضت اسلامی، آغازی ضداستبدادی داشت اما بلافاصله وجه ضداستعماری آن پررنگ‌تر شد. دستگیری امام در سال ۴۳ بعد از سخنرانی معروف و اعلامیه مهم ایشان علیه کاپیتولاسیون و در جهت مبارزه با سلطه بیگانه بود. هدف ایشان، نفی سلطه آمریکا و در راستای استقلال واقعی ایران بود و لذا تبعید امام (ره) را مستقیماً خود آمریکاییها دستور دادند. «فردوست» در خاطرات خود نقل می‌کند که وقتی منصور (نخست وزیر وقت) به دربار آمد و به شاه گفت که امام را از قم به ترکیه تبعید کنیم؛ شاه علت را جویا می‌شود و منصور می‌گوید که این را سفیر آمریکا دستور داده و اجرا می‌شود!

امام در آبان ۴۳ فرمودند رئیس‌جمهور آمریکا بداند که منفورترین فرد در نزد مردم ایران است. امام در آن مقطع لبه حمله اصلی خود را بر استعمار قرار دادند تا استبداد. گرچه نهضت از ابتدا ماهیت دینی و اسلامی داشت و نوک پیکان حمله این نهضت علیه استبداد بود، مع هذا امام (ره) با درکی تاریخی، استعمار نو را هدف گرفتند چون سهم آن را در استبداد داخلی نیز تعیین کننده می‌دانستند.

اما به راستی چرا دنیا در برابر انقلاب عظیم اسلامی، غافلگیر شد؟ پاسخ چندان پیچیده نیست: زیرا فکرنمی‌کردند نهضتی با این ویژگیها بتواند در برابر تمام قدرتهای جهان به پیروزی

دست یابد. در کتابی که مورخین انگلیسی راجع به ایران به نام Cambridge History of Iran نوشته اند (توسط بخش تاریخ دانشگاه کمبریج چاپ شده) بخشی راجع به انقلاب اسلامی و پیروزی آن است. در فصلی راجع به علت عدم قابلیت پیش‌بینی پیروزی انقلاب توسط انگلیسیها بیان شده که سازماندهی انقلاب را درک نکرده‌اند و فکر می‌کردند باید با حزبی یا شورای مرکزی و دبیر کل مواجه شویم و در آن رخنه کنیم! ما اساساً سازماندهی و ساختار روحانیت را نمی‌شناختیم و درکی از آن نداشتیم. اینکه روحانیت قادر است از طریق دهها هزار هیئت دینی و مذهبی، مساجد و این همه روحانی در سراسر کشور یک سازماندهی عظیمی را به وجود آورد، همین برای ما ناشناخته بود. کتاب، از روحانیت مبارز تهران و آیت‌الله بهشتی نام می‌برد و رنجی که این عزیزان در سازماندهی انقلاب برده‌اند را برمی‌شمارد و می‌نویسد علت اصلی غافلگیری ما این بود که پیش‌بینی چنین سازماندهی‌ای را نکرده بودیم. امام در پاریس یک سخنرانی ایراد می‌کرد و به فاصله ۲۴ ساعت بعد در سراسر ایران، منتشر می‌شد. این کدام سازمان بود که چنین کاری را انجام می‌داد؟ شما به یاد دارید که هر سخنرانی که امام (ره) در پاریس ایراد می‌کردند، بلافاصله از طریق تلفن به نوار منتقل می‌شد و مراکز موجود در ایران بلافاصله آن را تکثیر کرده و به سراسر کشور می‌فرستادند. اعلامیه امام که حتی از این هم راحت‌تر منتشر می‌شد. مطالعات فرهنگی

قصد من از بیان این نکته آن بود که تأکید کنم یک عامل مهم در شکست توطئه‌های دشمنان اسلام و پیروزی انقلاب اسلامی، اصل غافلگیری بود. غافلگیری به معنای آنکه دشمن از نقشه و برنامه‌های انقلابیون و ملت ایران بی‌خبر بودند و فکر نمی‌کردند در انقلاب و نهضتی، کل مردم به صحنه بیایند. یکی از مقامات آمریکایی می‌گوید ما برای مهار انقلاب اسلامی ایران فکر نمی‌کردیم به این سرعت حرکت فوق‌تبدیل به طوفان گردد. تا ما طراحی را شروع کردیم متوجه شدیم با یک طوفان مواجه هستیم و لذا قدرت کنترل انقلاب را نیافتیم. مطالعه انقلاب‌های کشورهای جهان نشان می‌دهد که کمتر انقلابی را می‌توان یافت که تمام ملت به صحنه آمده باشند. انقلاب ما نه انقلاب طبقاتی بود که بگوییم یک طبقه علیه طبقه دیگری قیام کرد و نه انقلاب ما حزبی بود که بگوییم یک حزب علیه حزب دیگری برخاسته باشد. انقلاب ما نه انقلاب چریکی و نظامی بود که بگوییم یک گروه چریکی حکومت را ساقط کرد و نه کودتا بود که گروهی نظامی دولت را سرنگون نموده باشند، بلکه

انقلاب به تمام معنی دارای رهبری مورد اعتماد کل ملت بود. اساس و بنیان پیروزی انقلاب ما، اعتماد ملت به امام خمینی (ره) بود. همو به عنوان راهبری که خوب می فهمید و خوب پیش بینی می کرد و قبل از هر کس، خود به انقلاب و راه انقلاب و پیروزی آن ایمان داشت. سراسر وجود ایشان ایمان، اعتماد و اعتقاد به خدا و پیروزی انقلاب بود. مردم ما هم سراسر اعتماد به امام بودند و ایشان را از لحاظ ایمان، تقوا، استقلال مرجعیت و مشروعیت دینی (که فتوایش می تواند به هر چیز مشروعیت بخشد)، قبول داشتند. این پیوند باعث می شد که فرمان امام سراسر کشور را به لرزه درآورد. غرب به خاطر اینکه نه قدرت رهبری را درست پیش بینی کرده بود، نه پیوند ملت با رهبری را درست فهمیده، نه سازماندهی انقلاب را شناخته بود، به خاطر اصل غافلگیری مجبور شد شکست را بپذیرد. استبداد داخلی هم در برابر این حرکت عظیم نتوانست مقاومت کند. به تعبیر امام، خداوند چنان ترسی به دل دشمنان انداخت (منصور بالرعب) که قدرت تصمیم گیری نداشتند. فقدان قدرت پیش بینی دشمنان انقلاب، باعث پیروزی این ملت در برابر تمام قدرتهای جهانی شد. شما می دانید که انقلاب اسلامی هیچ حامی خارجی نداشت. مردم و ایثار و وحدت آنان بود که انقلاب را یاری کرد. به راستی تکیه همه ملت به خدا بود. بعد از پیروزی انقلاب هم - در تمام مراحل - توطئه ها و نقشه هایی که علیه انقلاب یا علیه توسعه نظام و کشور طراحی کردند منجر به شکست شد. چرا؟ چون باز هم غافلگیر شدند. حرکت نظام برای دنیا غافلگیرکننده و معمولاً غیرقابل پیش بینی بود. یکی از عصبانیت های دنیا از نظام ج.ا.ایران این است که قدرت پیش بینی نسبت به این نظام ندارند. نمی داند ما یک ماه دیگر می خواهیم چه کنیم. تنها ساختاری که برای دنیا غیرقابل پیش بینی است و نمی تواند تحول و قدرت این نظام را درست پیش بینی کنند، جمهوری اسلامی ایران است.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در مورد هر توطئه ای که انگشت بگذاریم برای کل دنیا، نوع واکنش ایران غیرقابل پیش بینی بود. مثلاً آنها بعد از پیروزی انقلاب فکر می کردند با گروهک هایی که سامان داده بودند و برنامه ریزی هایی که از گذشته در ایران داشتند به راحتی می توانند با ایجاد آشوب داخلی، ایران را دچار فروپاشی کنند. آنان تصور می کردند با شورش های داخلی می توانند جلوی ادامه انقلاب و حرکت انقلاب را بگیرند، اما فکر نمی کردند که چگونه امام، انقلاب و نظام با این شورشها مواجه خواهد شد. فی المثل آمدند

در کردستان، خوزستان، بلوچستان، ترکمن صحرا و دیگر مناطق برنامه ریزیهای برای شورش و بلوا طراحی کردند. اولین شهری که در غرب کشور سقوط کرد، پاوه بود. امام در یک اطلاعیه، ملت ایران را مورد خطاب قرار داد و گفت مردم باید پاوه را آزاد کنند. آنها این حرکت را پیش بینی نکرده بودند که امام، مستقیم و بدون واسطه با خود مردم صحبت کند و به آنها دستور دهد و مردم هم فرمان گرفته و اجرا کنند. این سازماندهی و فرماندهی برای دنیا قابل درک نبود. یا مثلاً در قضیه جنگ تحمیلی آنها بر مبنای ظرفیت نیروهای مسلح درست محاسبه کرده بودند که ایران دارای توان مشخصی است که بعد از انقلاب انسجام و سازماندهی کافی پیدا نکرده است. اینها فکر نمی کردند سرگردی که ما به او یک درجه داده و حال فرمانده شده بود، بتواند ارتش را اداره کند. آنها این طور محاسبه کرده بودند که تمام سلاحهای در اختیار ارتش، عمدتاً آمریکایی است و همه مستشاران نظامی آمریکایی، ایران را ترک کرده بودند، امراء ارتش از کار برکنار شده بودند، ارسال قطعات یدکی هواپیماها و تجهیزات قطع شده بود، فلذا آنها فکر می کردند ما نمی توانیم از این تجهیزات نظامی به درستی استفاده کنیم. سپاه هم که یک نیروی انتظامی و عمدتاً برای مقابله در برابر شورشها بود و برای جنگ منظم، آموزش ندیده بود، ضمن آنکه سلاح لازم را هم در اختیار نداشت. جالب است بدانید که در اول جنگ ما حتی آر.پی.جی ۷ معمولی هم در اختیار نداشتیم. آنها صدام را تحریک کردند و گفتند در چنین وضعی نیروهای مسلح ایران ظرف چند روز فرومی پاشند. امام (ره) وقتی حمله آغاز شد فرمود: چیز خاصی نیست، دیوانه ای سنگی پرتاب کرده و مردم به او جواب می دهند. شما دیدید که یک حرکت عظیم مردمی (من نمی خواهم تلاش و ایثار و فداکاری ارتش، سپاه نیروی انتظامی، نیروهای مسلح را کم جلوه دهم، ایثار و فداکاری آنها جای خود دارد، جای آنها معلوم و فداکاری آنان برای ملت روشن است) شکل گرفت و این، غیرقابل پیش بینی برای دنیا بود. بسیج صدها هزار نیروی مردمی، ایثارگر و فداکار، دنیا را گیج کرد. بار دیگر جهان به حیرت افتاد که اینها چه نیروی عظیمی هستند. آنان نمی توانستند قدرت ایمان را درک کنند. آنان به راستی آنچه را در جنگ اتفاق افتاد که آن فداکاری و ابتکار نیروهای مخلص و مؤمن در سپاه و ارتش بود نتوانستند باور کنند. آنها فکر نمی کردند ما قادر هستیم ۱۴ کیلومتر پل شناور در عملیات خیبر بسازیم؛ ما این کار را در عملیات خیبر برای اتصال به جزیره مجنون، انجام دادیم. آنها فکر نمی کردند ما در عملیات

فاواز یک رودخانه عظیم شبه دریاچه عبور کنیم. آنان فکر نمی کردند نیرویی بتواند از این رود خروشان که با جزر و مد عظیم مواجه است به سلامت عبور کند. آنان فکر نمی کردند نیروهای متخصص ما قادر هستند F14 را تا آخر جنگ استفاده کنند و قطعات آن را بسازند، (ما حتی در سال آخر جنگ آمادگی بیشتری برای پرواز F14 نسبت به سال اول انقلاب داشتیم. در آن مقطع ۷۰ درصد هواپیماهای ما عملیاتی بود در حالی که زمانی که آمریکاییها بودند ۵۰ درصد هواپیماها عملیاتی بود). آنان فکر نمی کردند نیروهای متخصص ما شبانه روز تلاش کنند و بتوانند هواپیما را تعمیر و برای آنها قطعه بسازند. برنامه ها، تاکتیکها و استراتژی ما برای آنها غیرقابل پیش بینی بود و همین، عامل اصلی پیروزی ما در جنگ بود.

تازه ترین توطئه ای که دشمنان ملت ما طراحی کردند ترساندن جهان نسبت به این مسئله بود که ایران در پی ساخت سلاح کشتار جمعی است. آنها حتی توانستند افکار عمومی دنیا را تا حدی برای این توطئه آماده نمایند. اگر بتوانند افکار عمومی را قانع کنند که ایران دنبال ساخت سلاح کشتار جمعی است، چون ایران دارای حکومتی ایدئولوژیک است، بنابراین معلوم نیست که در منطقه چه اتفاقی خواهد افتاد و پایگاه اصلی استعمار در منطقه یعنی اسرائیل با چه وضعیتی مواجه خواهد شد و ادامه حضور نیروهای آمریکا در منطقه با چه مشکلاتی مواجه خواهد شد.

ایران با هیچ کشور دیگری در جهان قابل مقایسه نیست. از دید غرب و به ویژه از دید آمریکا ایران یعنی حساس ترین منطقه جهان به لحاظ شرایط ژئوپلیتیکی و حتی ژئواستراتژیکی منطقه، جایگاهی که ایران قرار دارد غیر قابل مقایسه با دیگر کشورها است. تمام ذخیره نفت آینده در همین منطقه است و در دهه های آینده تنها در منطقه خلیج فارس نفت صادراتی وجود خواهد داشت و انرژی دنیا را تأمین خواهد کرد. هیچ کشوری در منطقه نیز جایگاه ایران را ندارد. قسمت اعظم نفت منطقه از آبراه عبور می کند که شمال این آبراه و تمام جزایر مهم آن متعلق به ایران است. توان و قدرت عظیم ملی کشور ما قابل مقایسه با کشورهای دیگر نیست. آمریکا می داند ایران یعنی یک قدرت عظیم منطقه ای. آنها همچنین می دانند که ایران تنها نیست؛ ج.ا.ایران یک پیوند عمیق با ملت های اسلامی در منطقه و جهان دارد. قدرت ایران محدود به مرزهای جغرافیایی ایران نیست. آمریکاییها محاسبه این قدرت را دارند و لذا آمدند یک توطئه را تدارک دیدند و در سطح جهان تبلیغ کردند که ایران به دنبال

ساخت سلاح اتمی است. اولین قدمی که آمریکاییها برداشتند به ظاهر گامی پیروز بود. یعنی این دغدغه را در دنیا جا انداختند که ایران در حال تبدیل شدن به یک قدرت خطرناک است. آنها دیگر کشورهای غربی را متقاعد کردند که ایران در حال ساخت سلاح اتمی است و در یک نهاد بین المللی پرونده ما را گشودند و در شورای حکام آژانس بین المللی مطرح کردند و برای اولین بار توانستند تندترین قطعنامه (با اجماع و اتفاق آراء اعضا حاضر در جلسه) علیه ایران را به تصویب برسانند. آنها چه محاسبه ای داشته اند و چگونه فکر می کردند؟ آنها این طور پیش بینی کرده بودند که وقتی ایران را طبق این قطعنامه، عصبانی کنیم، ایرانیها از معاهدات مربوطه خارج خواهند شد و حرف ما بهتر جامی افتد که ایران به دنبال سلاح اتمی است و پرونده بلافاصله به شورای امنیت ارجاع می شود و آنجا زمینه برای توطئه های زنجیره ای آماده تر می گردد. مع هذا اولین چیزی را که آنها پیش بینی نمی کردند برخورد پیچیده ایران بود. جمهوری اسلامی ایران یک برخورد دقیق و مبتنی بر تدبیر و نقشه سیاسی و حقوقی را پی گرفت.

بعضی دوستان به ما می گویند که وقتی قطعنامه تندی علیه شما تصویب شد بهتر نبود که شما هم برخوردی تند می کردید؟ در پاسخ به همه ی آن عزیزانی که نظر دیگری داشته و می گویند راه حل دیگری وجود داشت می گویم که ما راه حل آنها را نبسته ایم و امکان آن را از بین نبرده ایم. ما هر وقت که بخواهیم، می توانیم از مقررات بین المللی خارج می شویم. برخی می گفتند که ما باید از NPT خارج می شدیم. ما همواره با این امکان مواجه هستیم. ما هر وقت که بخواهیم، می توانیم خارج شویم، مسئله این است که در قبال این مسئله راههایی وجود داشته و امروز هم وجود دارد؛ البته بعضی از راهها بسیار پرهزینه و توأم با ریسک و بعضی از راهها دقیق تر، پیچیده و با ریسک کمتر بوده است. ما کوشیدیم راههایی را که مسیر مستقیم، با ریسک کمتر و همراه با پیچیدگی سیاسی بود انتخاب کنیم؛ ضمن آنکه امکان حرکت در راههای دیگر، هنوز باز است. راه انتخابی ما تا اینجا، این بوده است، البته ممکن است در آینده لازم باشد از آن راههای دیگر استفاده کنیم. منتهی نظر ما این بود که اگر در آغاز راه از آن مسیرها استفاده می کردیم، عملاً کمکی به آمریکا کرده بودیم چرا که آنها می خواستند هر چه سریع تر، موضوع را به شورای امنیت منتقل نمایند. آنها یک هدف بیشتر نداشتند و آن ارجاع پرونده به شورای امنیت بود. هنوز هم هر زمان که موضوع ایران دوباره

در دستور کار آژانس قرار بگیرد باز هم آمریکاییها حرف خود را می‌زنند. چیزی که باعث شد آمریکاییها سردرگم و بسیار هم عصبانی شوند این است که اساس حرکت‌های ما همچنان برای آنها غیرقابل پیش‌بینی است. آنها فکر می‌کردند در مرحله نخست ما برخورد تند خواهیم داشت و از معاهدات بین‌المللی خارج خواهیم شد؛ پس راحت‌تر پرونده را به شورای امنیت خواهند برد؛ اما ما راه دیگری را انتخاب کردیم. ما، در اتحاد و جماعی که علیه ج.ا.ایران به وجود آورده بودند وارد شدیم و کوشیدیم تا آن را بشکنیم در این راستا با اروپاییها وارد بحث شدیم و اتحاد اروپا و آمریکا را علیه خودمان، شکستیم. این طراح وقتی در روز اول در سطح سران نظام پیشنهاد شد بعضی دوستان خوب ما در جلسه با تمسخر گفتند مگر چنین چیزی امکان‌پذیر و شدنی است؟! هنوز هم برخی با بدبینی به استراتژی ما نگاه می‌کنند. وقتی ما می‌گفتیم به لحاظ حقوقی می‌توانیم وارد عمل شویم و پرونده را از لحاظ حقوقی، حل و فصل کنیم آنها می‌گفتند نمی‌شود. می‌گفتند قانون را خود آنها نوشته‌اند، قاضی هم خودشان و دادستان هم خودشان هستند و لذا نمی‌توان در پرونده، موفق بود. به زعم آنها، قانون و تفسیر قانون و قاضی و دادستان و کیفرخواست و مجازات به عهده آنها است؛ ولی نظام (ج.ا.ایران) معتقد بود که این امر، شدنی است. طبق طرحی که مورد نظر ما بود، از لحاظ حقوقی مسئله قابل حل است. ما وارد مسیری شدیم که برای آمریکاییها غیرقابل پیش‌بینی بود و لذا در اجلاس آذر ۸۲ یکی از جالب‌ترین صحنه‌های تاریخی در شورای حکام شکل گرفت یعنی تقابل کم‌سابقه بین آمریکا و انگلیس و همچنین بین آمریکا و سایر کشورهای اروپایی. طرح اندازی سیاستی که به چنین منظره‌ای منتهی شد، خود یک حرکت تاریخی بود. البته ما تمام مسیر را تا انتها نرفته‌ایم اما این واقعیت است که تا همین نقطه، کار شگرفی کرده‌ایم.

وقتی ما از بحران آبان سال ۸۲ عبور کردیم و آمریکا در دستاوردهای توطئه خود، ناکام ماند ما وارد صحنه غیرمنتظره‌ای شدیم و آن اینکه ما نمی‌دانستیم آمریکا و لیبی با هم پشت پرده در حال توافق هستند. قذافی وسایل مورد نیاز در زمینه غنی‌سازی اورانیوم را از واسطه‌ای خریداری کرده بود که ما قبلاً از او خرید کرده بودیم؛ به این ترتیب ما وارد بازی‌ای شدیم که پیش‌بینی آن را نکرده بودیم. ما خبر نداشتیم که لیبی تمام اطلاعات را در اختیار آمریکا گذاشته است. اگر یادتان باشد مسئله P2 درست شد و گفتند ایران تجهیزاتی را از دلالت

دریافت کرده و نگفته، پس ایران غیرقابل اعتماد است. در اجلاس بهار ما ناگهان مواجه با موج عظیمی شدیم که داشت همه چیز را به هم می ریخت و نزدیک بود آمریکاییها پیروز ماجرا شوند.

ما با اتحادیه اروپا در بروکسل در ماه فوریه سال گذشته (۲۰۰۴) وارد توافقی شدیم، در حالی که در ماه مارس همان سال آمریکا دنبال این بود که پرونده را به شورای امنیت ببرد. اروپا در این توافق قول داده بود که در خردادماه، پرونده هسته ای ایران در آژانس بسته شود. آمریکاییها وقتی متوجه این توافق شدند، اروپاییها را توییح کردند و گفتند که پرونده ایران در مسیر شورای امنیت بود، اما شما با این توافق، کار را خراب کردید. این اختلافات که به سطح روزنامه ها کشیده شد (البته قبل از آن ما از این اختلاف، از طرق سیاسی مطلع بودیم)، متأسفانه برخی از روزنامه ها و بعضی از عزیزان ما به جای اینکه موفقیتهای ما را بیان کرده و مردم را خوشحال کنند به دلایلی نسبت به این روند، لحن انتقادی گرفتند، در حالی که خودشان می دانستند این پیروزی و این ابتکار عمل، به فرد خاصی تعلق نداشته و مربوط به کل نظام است.

به هر حال، غافلگیری ای که اینجا حاصل شد آن بود که آمریکاییها در بوته انفعال افتادند و در ماه مارس و ژوئن کاری نتوانستند بکنند، هر چند نگذاشتند توافق میان ما و اروپا هم پابگیرد.

درست است که آمریکاییها با ایستادگی و مخالفت خود و فشاری که بر اروپا آوردند نگذاشتند توافق ایران و اروپا عملی شود اما نقشه خود آنها هم عملی نشد. بعد از ماه ژوئن که اروپا به تعهدات خود عمل نکرد و ما هم به گونه ای دیگر عمل کردیم، زمینه فراهم شد که آمریکاییها مطمئن شدند در اجلاس بعدی، پرونده ایران را به شورای امنیت خواهند برد. فلذا در ماه سپتامبر (۲۰۰۴) بار دیگر در شورای حکام شرایط سختی نسبت به پرونده ایران به وجود آمد و زمینه ای ایجاد شد که به راحتی در اجلاس نوامبر، پرونده به شورای امنیت برده شود. کاری که ما انجام دادیم (و البته به این صورت قابل پیش بینی نبود) توافقی بود که با اروپا در پاریس به نتیجه رساندیم. با این توافق به جای اینکه در ماه نوامبر پرونده به شورای امنیت برود، پرونده از دستور کار خارج گردید. آمریکاییها برای ابتکار دوم خود، خیلی سرمایه گذاری کرده بودند و خاطرشان جمع بود که - با توجه به برنامه ای که پیاده کرده بودند

- حتماً پرونده ایران به شورای امنیت می‌رفت. اما توافق پاریس روند را معکوس ساخت و باعث شد بهترین قطعنامه در مقایسه با قطعنامه‌های قبلی به تصویب برسد و موضوع ایران از دستور دائمی شورای حکام خارج شود. در این قطعنامه حتی نکات مهمی نیز به نفع ایران به تصویب رسید.

بنابراین کاری که ما توانستیم انجام دهیم این بود که هر چه آمریکا پیش بینی کرده بود، خلاف آن اتفاق می‌افتاد و ما همواره در جریان این ابتکارات، نقشه دیگری داشتیم که هم پیروز می‌شد و هم آنها نمی‌توانستند به دقت پیش‌بینی کنند که سمت و سوی حرکت ما، چگونه است. اما امروز به مقطع حساسی رسیده‌ایم و این برای آمریکا سنگین است؛ این مذاکره برای این نیست که فقط مسئله هسته‌ای را چطور تمام کنیم بلکه بسیار فراتر از اینها است. ما دنبال این هستیم که اروپا چگونه باید فن‌آوری پیشرفته را به ایران منتقل سازد، چگونه باید موانع صادراتی را از برابر ایران بردارد، چگونه باید روابط اقتصادی ایران و اروپا تقویت شود و حتی در زمینه مسائل سیاسی و امنیتی و منطقه‌ای چگونه همکاری کنیم، در واقع در صورت موفقیت این مذاکرات بین ایران و اروپا یک روابط جامع و مستحکم و بلند مدت به وجود خواهد آمد.

مجموعه مذاکرات، یک بسته بزرگ و متنوع از موضوعها را در برمی‌گیرد و نیازمند ممارست و ابتکار و خلاقیت است. در محور اقتصاد و تکنولوژی، به این پرسش محورین پرداخته می‌شود که چگونه همه موانع صادراتی نسبت به ایران برداشته شود و در زمینه مسائل اقتصادی بلند مدت ایران و اروپا به یکدیگر به عنوان یک شریک اقتصادی (و نه تجاری) مطمئن نگاه کنند و تکنولوژیهای پیشرفته به ایران منتقل شود. در کمیته دوم تمامی مسائل مهم سیاسی و امنیتی و مسائل منطقه، در کانون بحث ما و اروپا قرار دارد و در کمیته سوم مسائل هسته‌ای بین ما و اروپا به بحث گذارده می‌شود. آشکار است که تمام تلاش آمریکا بر این نکته متمرکز است که این تفاهمنامه به ثمر نرسد. چرا؟ زیرا اجرای این توافق به این معنا است که ج.ا.ایران تمام تهدیدهای آمریکا را نه تنها از بین برده بلکه آن را به یک فرصت بزرگ تبدیل ساخته است. اولین بار است که بعد از ۲۶ سال ما با رویکردی مستقل با اروپاییها راجع به همه موضوعها مذاکره می‌کنیم.

بنابراین با مروری به وضعیت پرونده هسته‌ای و تقابل ما با آمریکا و نقشه‌هایی که هر دو

علیه همدیگر کشیده‌ایم روشن می‌شود که در مدت یک سال و نیم تنش و بازیهای سیاسی این مدت تا امروز، ج.ا.ایران با پیچیدگی، دقت و حکمت، این پرونده را به پیش برده است. ما فرصت داشته‌ایم نقشه‌های آمریکا را نقش بر آب کرده و به دنیا ثابت کنیم که آمریکا دروغ می‌گفته است. ما توانستیم مسائل حقوقی پرونده را حل و فصل نموده و از نظر فن‌آوری هسته‌ای کارهای لازم را دنبال نمودیم. ما در طول این مدت، هیچ‌گاه اجازه ندادیم که از لحاظ فنی عقب بمانیم، ما حدود یک سال با اروپا مذاکره کردیم و ضمن مذاکره با اروپا اگر چه فعالیت نطنز را به تعلیق درآوریم، اما در عین حال، اصفهان را به جلو بردیم تا به نتیجه نهایی رسانیدیم و نسبت به ساخت قطعه و مونتاژ هم، کار را به پیش بردیم تا این که همه سانتریفیوژهای مورد نیازمان را در مرحله اول غنی‌سازی کامل کردیم. اکنون در شرایطی که اصفهان نیز به حالت تعلیق درآمده، کارهای زیادی داریم که باید انجام دهیم، از جمله تکمیل آب سنگین اراک و بسیاری اقدامات دیگر برای رسیدن به مرحله از سرگیری مجدد غنی‌سازی. آمریکاییها از ژوئن ۲۰۰۳ تاکنون همواره بر ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت تأکید کرده‌اند اما تاکنون ثابت شده که شورای حکام به نظر و ادعای آمریکاییها توجهی نکرده. البته ما اگر با اروپا نتوانیم به تفاهم نهایی برسیم، ممکن است در ماه ژوئن مشکلاتی داشته باشیم، اما برای همه حالتها، پیش‌بینی لازم را کرده‌ایم. ما کشور را برای تمامی حالات، فرضها و سناریوهای مختلف از جمله موفقیت یا عدم موفقیت در مذاکرات و بسته شدن پرونده در شورای حکام یا شرایط دیگر آماده کرده و برنامه‌ریزی کرده‌ایم و همواره تلاش می‌کنیم که کم هزینه‌ترین راه را به نهایت برسانیم اما اگر این راه کم هزینه، ما را به نتیجه نرساند برای راههای دیگر هم فکر و برنامه‌ریزی لازم را داریم.

من معتقد هستم کاری که ج.ا.ایران در این مدت انجام داده کاری بزرگ و پیچیده بوده است. ایران تنها بود و کسی از او حمایت نکرد، با این همه ما در برابر دنیا توانستیم این قدرت مانور را از خود نشان دهیم و به حول و قوه‌ی الهی باقی‌مانده را همچنان با حکمت و تدبیر و به اتکای حمایت مردم، به پیش خواهیم برد.

○ جنابعالی احتمال نمی‌دهید علت تهدیدات آمریکا علیه ایران به خاطر موضع‌گیریهای نامناسب داخلی در برابر سلاحهای هسته‌ای باشد؟ ایران نظامی

تقریباً دو جناحی است و تفاوتهای این دو جناح در برخورد با پرونده هسته‌ای مشکلاتی را ایجاد کرده است؟

● من فکر می‌کنم کلیت نظام ما موضع‌گیری بسیار مناسبی نسبت به سلاحهای کشتار جمعی داشته. ما همیشه نسبت به این مسئله مخالف بودیم و همه معاهدات مهمی که نسبت به سلاحهای فوق بوده ما در آن عضو هستیم همه مقامات ج.ا.ایران بدون استثنا به صراحت اعلام کرده‌اند به دنبال سلاح اتمی نبوده و نخواهیم بود و به دنبال ساخت سلاح اتمی اساساً نیستیم اما در باب موضع‌گیری جناحها نظر شما تا حدودی درست است. البته ما توقع نداریم جناحهای مختلف سیاسی کشور، مثل هم بیندیشند، اما توقع داریم در مسائل مهم ملی، موضع‌گیری آنها به صورتی باشد که به نظام کمک کند تا بهتر پرونده را به سرانجام برسانیم. وقتی در ماه شهریور پارسال یک قطعنامه تند علیه ما تصویب شد یک جناح نظرش این بود که فوری و بی‌قید و شرط پروتکل الحاقی را باید پذیرفت، حتی در مجلس ششم در حال تهیه یک طرح سه فوریتی بودند که دولت را به پذیرش پروتکل ملزم سازند و در طرف مقابل، جناحی معتقد بود باید موضع‌گیری تند انجام دهیم. اینان صریحاً اعلام می‌کردند که ما باید سریعاً از معاهده منع سلاح هسته‌ای (NPT) خارج شویم. تردیدی نیست که اختلاف اینها برای ما مشکل آفرین بوده و هنوز هم هست. به گمان من، لازم است که در مسائل ملی با دقت موضع‌گیری شود. هر نظر و موضعی که داریم به گونه‌ای باشد که در پرونده ملی به ما صدمه نزند؛ چرا که این تصمیم‌گیریها جناحی نیست بلکه تصمیمی است که همه مسئولین رده‌ی بالا و رؤسای سه قوه و دیگر مسئولان عالی‌رتبه در آن حضور دارند و ملی است.

○ لطفاً آینده دانش هسته‌ای را در ایران بیان فرمایید و جایگاه دانش هسته‌ای برای

ایران در مبارزه با تهدیدات آمریکا را تبیین نمایید؟

● دانش هسته‌ای بسیار گسترده است. می‌توان به کاربردهای این دانش در کشاورزی، صنعت، پزشکی و انرژی اشاره کرد. اما آنچه امروز محل نزاع است فن‌آوری هسته‌ای برای سوخت نیروگاه است که اساس دعوا غنی‌سازی است که بخش مهم و پیچیده‌ای بوده و از نظر علمی تخصص علمی بسیار بالایی را نیاز داشت. اهمیت این فن‌آوری از آن رو است که

ما برای تأمین برق نمی‌توانیم تنها به نفت و گاز متکی باشیم و ناچار هستیم به دنبال نیروگاه هسته‌ای باشیم. قبلاً در کشور تصویب شده بود که ۷ هزار مگاوات برق ما از نیروگاه هسته‌ای تأمین شود. اخیراً نمایندگان مجلس دنبال طرحی هستند که برای ۲۰ سال آینده، ۲۰ هزار مگاوات برق کشور باید از طریق انرژی هسته‌ای باشد. البته طبیعی است که با گذشت زمان، نیازمندیهای ما بیشتر می‌شود و ما نمی‌توانیم هر چه نفت و گاز داریم در داخل مصرف کنیم. ما حتماً باید در بازار صادرات، حضور داشته باشیم. حضور ما در بازار صادرات نفت، تنها جنبه اقتصادی ندارد بلکه به لحاظ استراتژیک هم مهم است که ایران صادرکننده نفت بماند و دنیا به آن نیازمند باشد. به عبارت دیگر، این قضیه ابعاد سیاسی و استراتژیک مهم‌تر از اقتصادی هم دارد. بنابراین ما باید مصرف حاملهای نفتی را در داخل، کاهش بدهیم. نیروگاه هسته‌ای دارای عمر طولانی است و هر نیروگاه ۵۰ تا ۶۰ سال عمر دارد. وقتی نیروگاه را ساختیم مهم، سوخت نیروگاه است که باید بخشی از آن سالانه عوض شود. بنابراین باید هر سال برای هر نیروگاه، مقداری سوخت وارد کنیم. این بدان معنی است که اگر نیازمند به خارج باشیم، خوداتکایی مالطمه می‌خورد و آنها می‌توانند حداقل در قیمت سوخت و شرایط تحویل آن به ما فشار وارد کنند. دقیقاً به همین دلیل است که ما به دنبال تهیه سوخت رفته‌ایم. به اعتقاد ما نباید این فن‌آوری نگران‌کننده و ترس‌آفرین باشد ولی متأسفانه در اثر تبلیغات دشمنان ما، نگران‌کننده شده است. اساس بحث این است که کشوری که قدرت داشته باشد سوخت نیروگاهی تهیه کند، آن کشور قدرت دارد که بمب اتمی هم تولید کند. همه کشمکشها هم بر سر این است که این امکانات می‌تواند دو منظوره باشد. ما البته گفته‌ایم که دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم بلکه دنبال سوخت هستیم اما چون آنها فکر می‌کنند این کار دو منظوره است چنین ترسی ایجاد شده است.

○ اگر اروپا به تعهدات خود عمل نکند آیا ایران غنی‌سازی اورانیوم را از سر خواهد گرفت؟ در صورت پاسخ مثبت، واکنش محافل جهانی نسبت به غنی‌سازی چگونه خواهد بود؟

● اساس تلاش ما این است که غنی‌سازی را انجام دهیم و به نوعی با اروپا در این زمینه به توافق برسیم. بدیهی است که اگر این هدف، عملی شود کار بزرگی انجام شده است. اروپاییها

از نحوه اقدام آمریکا نگران هستند و می گویند اگر شما غنی سازی کنید ممکن است در آینده دست به اقداماتی بزنید که ما در دنیا بی حیثیت شویم. ما نیز متقابلاً می گوئیم القائنات آمریکا را کنار بگذارید و به ایران اعتماد کنید و ما به دنبال سلاح نیستیم. ما مایل هستیم با توافق این مسئله حل و فصل شود، اما اگر نشد و همه تلاشهای ما به نتیجه نرسید خود به خود غنی سازی را شروع خواهیم کرد؛ اما چه موقع، با چه فرمولی و چگونه، اینها در زمان خود اعلام خواهد شد. نظام مصمم است که از این فن آوری دست بردارد و ما حتماً دنبال این هستیم که غنی سازی داشته باشیم، با این همه، عجله هم نداریم زیرا فن آوری را به دست آورده ایم و کسی نمی تواند این فن آوری را از ما بگیرد. اینکه ما به اصل فن آوری دست یافته ایم، خود یکی از افتخارات ما است؛ اما اینکه چگونه و چطور و چه موقع تداوم کار انجام شود جای بحث است.

○ پس از مصاحبه جناب عالی با رویتر این شبکه گفته بود حرفهای رهبران ارشد واشنگتن تأثیر چشمگیری بر روند مذاکرات ایران و اروپا داشته و امکان دارد فشار بیشتری از سوی اروپا بر ایران وارد شود. اگر این اتفاق بیفتد ایران با اروپا چگونه برخورد خواهد کرد؟

● اینکه آمریکاییها در این مسئله به اروپا فشار می آورند حتمی است و از ابتدا این طور بوده. البته از این مسئله نباید غافل بود که در یک هدف مهم، میان آمریکا و اروپا اشتراک وجود دارد و آن اینکه اروپاییها نیز مایل نیستند ما غنی سازی داشته باشیم؛ با این تفاوت که آمریکاییها طراحی و برنامه خاصی دارند و می گویند باید زودتر پرونده ایران به شورای امنیت برده شود اما اروپاییها با اجرای این کار در شرایط فعلی مخالف هستند و می گویند با مذاکره ممکن است به راه حل برسیم. اگر فشار آمریکا نبود ما حتماً ظرف هفته های آینده با اروپا به تفاهم می رسیدیم. سروصدای آمریکا هم به همین جهت است. زیرا با روندی که ما پیش گرفته ایم در آینده نه چندان دور به نتیجه می رسیم. تردیدی نیست که فشار آمریکا روی اروپا تأثیرگذار است چرا که پیوندی استراتژیک دارند. اینها دارای مناسبات کلان اقتصادی و سیاسی، با یکدیگر هستند و حتی هنوز بخشی از امنیت اروپا را آمریکا به عهده دارد. معلوم است اروپا نمی خواهد به رابطه اش با آمریکا لطمه وارد شود. روشن است که آنها دنبال منافع خود

هستند. هیچ کشوری در دنیا نیست که به خاطر دلسوزی با ما حاضر به فداکاری باشد. هر کشوری دنبال منافع خود است و در تبادلات دو طرف، ما زمینه منافع نزدیکی بین خود و اروپا یافته‌ایم و معتقدیم که می‌توانیم در این بخش توافق داشته باشیم. ما امیدوار هستیم در جریان مذاکره در زمینه‌های مشترک، به توافقاتی برسیم.

○ جاسوسان هسته‌ای چه کسانی بودند و چگونه به اطلاعات هسته‌ای دسترسی پیدا

کردند؟

● حتی قبل از اینکه پرونده ایران در شورای حکام مطرح شود خیلی از مسائل و مواردی که تصور می‌شد کسی خبر ندارد، آنها از طریق جاسوسان خود با خبر بودند. ما چیزهایی از کشورهای دیگر خریداری کرده بودیم که علی‌القاعده می‌بایست به عنوان توافق ما با آنها محرمانه بماند، اما هیچ کدام محرمانه نماند. بسیاری از اطلاعات نیز از مجاری مختلف درز کرده بود. البته افرادی که برای بیگانگان جاسوسی می‌کردند، دستگیر شدند، اما به هر حال باز ممکن است جاسوسانی باشند که هنوز دستگیر نشده باشند.

○ وزیر امور خارجه آمریکا خواهان حل و فصل پرونده ایران از طریق راههای

سیاسی شده و گفته ایران باید از این فرصت استفاده کند. پاسخ ایران چیست؟

● آنها می‌خواهند بگویند ایران از طریق مذاکره سیاسی غنی‌سازی را کنار بگذارد. می‌گویند اروپا و دیگران در بخش اقتصادی و امنیتی هدیه‌ای به ایران بدهند و ایران از غنی‌سازی دست بردارد (یا حداقل برای مدتی طولانی، تعلیق را ادامه دهد تا دنیا آرام شود). ما معتقد هستیم که آمریکاییها نباید فشار بیاورند، سعی کنند کارهای غیرمعقول انجام ندهند و بگذارند با اروپاییها عاقلانه و حساب شده بر سر میز مذاکره به تفاهم برسیم. مسئله هسته‌ای ایران با زور حل نمی‌شود بلکه با مذاکره حل می‌شود. ما تسلیم تهدیدات نمی‌شویم. راه، مذاکره است. ما باید با اروپا در جریان یک مذاکره معقول (در چارچوب مقررات بین‌المللی بر مبنای منافع مشترک همه و بر مبنای صلح و ثبات منطقه و جهان) به توافقی که به نفع همه است برسیم.

○ در ایران ما چه تعداد متخصص هسته‌ای داشته و چه سیاستی جهت پرورش نیروی متخصص داریم؟

● نیروی متخصص به اندازه کافی داریم. وضع ما از نظر نیروی انسانی بسیار خوب است و اکثر آنها تربیت شده دانشگاه‌های ما هستند؛ یعنی متخصصین فیزیک، شیمی، مکانیک، کامپیوتر، هسته‌ای، ریاضیات و سایر رشته‌های مورد نیاز که در دانشگاه‌های ما تربیت شده و جوان هستند. سن متوسط آنها ۳۵ سال است آنان بسیار با انگیزه هستند و با هدف اعتلا و پیشرفت و توسعه کشور کار می‌کنند. این برای ما خیلی ارزشمند است. به بیان دیگر، مهم‌تر از دانش آنان، روحیه و انگیزه آنها است.

○ در صورت ارجاع پرونده به شورای امنیت چه اتفاقی خواهد افتاد؟

● البته تلاش ما بر این متمرکز است که این کار صورت نگیرد. مع‌هذا اگر پرونده به شورای امنیت ارجاع گردد و اگر بخواهند عادلانه و منصفانه و در چارچوب مقررات حقوقی برخورد کنند البته مشکلی پیش نمی‌آید، زیرا حداکثر می‌گویند باید بر فعالیت هسته‌ای ایران نظارت مستمر صورت گیرد. باید حاصل ارجاع، همین باشد و نه بیشتر. فشار به دولت‌ها یا محروم کردن کشورها از دارابودن تکنولوژی هسته‌ای از اختیارات شورای امنیت نیست؛ بلکه این تکنولوژی در مسیر صلح‌آمیز، برای رشد و توسعه کشورها است فلذا باید کاری کنند که این تکنولوژی، تأمین و تضمین شود و این با اجرای مقررات ممکن می‌گردد. اما اگر قدرتهای بزرگ بخواهند با سوء استفاده از نام سازمان ملل و شورای امنیت قطعنامه‌ای را به تصویب برسانند و ما را از فن آوری محروم نمایند، آشکار است که ما ایستادگی و مقابله خواهیم کرد.

○ آیا جناب عالی کاندیدای ریاست جمهوری خواهید شد؟

● البته قبلاً به این سؤال جواب داده‌ام، من هنوز تصمیم نهایی در این خصوص نگرفته‌ام. بیشتر مایل هستم آرایش نیروها را در این زمینه بینم و سپس تصمیم بگیرم بنابراین فعلاً تصمیم نهایی را اتخاذ نکرده و منتظر شرایط آینده هستم. موفق باشید.